

کارل مارکس

تئوری‌های ارزش اضافی

جلد چهارم سرمایه

بخش اول

مترجم:

علیرضا ثقفی خراسانی



انتشارات سمندر

انتشارات سمندر

فهرست مطالب

مقدمه مترجم.....	۱۱
مقدمه ناشر (نشر پروگرس).....	۱۷
مقدمه انیستیتو مارکسیسم لنینیسم مسکو.....	۱۹
نظر کلی.....	۴۶

تئوری‌های ارزش اضافی (جلد چهارم سرمایه)

[فصل اول] سر جیمز استوارت [تمایز بین سود از خودبیگانه‌شده و افزایش مثبت ثروت].....	۴۵
[فصل دوم] فیزیوکرات‌ها.....	۴۹
۱. جابجایی تحقیق درباره‌ی اصل ارزش اضافی از حوزه گردش به حوزه تولید مستقیم. در نظر گرفتن اجاره به‌عنوان تنها شکل ارزش اضافی].....	۴۹
۲. تضاد در سیستم فیزیوکرات‌ها: پوسته فئودالی سیستم و محتوای بورژوازی: برخورد دوگانه با ارزش اضافی].....	۵۵
۳. کاسنی همراه با سه طبقه در جامعه. گسترش بیشتر تئوری فیزیوکرات‌ها به وسیله تورگت: اساس یک تحلیل عمیق‌تر از مناسبات سرمایه‌داری].....	۵۹
۴. مخلوط کردن ارزش با شیء مادی].....	۶۶
۵. اصول تئوری فیزیوکرات‌ها در نظرات آدام اسمیت].....	۶۸
۶. فیزیوکرات‌ها به‌عنوان پارتیزان‌های مؤسسه‌های بزرگ کشاورزی کاپیتالیستی].....	۷۲
۷. تضادها در نظریه سیاسی فیزیوکرات‌ها. فیزیوکرات‌ها و انقلاب فرانسه].....	۷۴

۸. عامیانه کردن نظریات فیزیوکرات‌ها به وسیله اشمالز مرتجع پروسی]..... ۷۵

۹. انتقاد اولیه از توهمات فیزیوکرات‌ها در مسأله کشاورزی (وری)]..... ۷۶

فصل سوم] آدام اسمیت..... ۷۹

۱. تعیین دو ارزش متفاوت توسط آدام اسمیت: تعیین ارزش به وسیله کمیت کار مصرف شده که در یک کالا وجود دارد

و تعیین به وسیله کمیت کار زنده‌ای که می‌توان در مبادله با این کالا آن را خریداری کرد.]..... ۷۹

۲. تصور کلی آدام اسمیت از ارزش اضافه. بینش او درباره سود، اجاره و بهره به عنوان محصول تولید کار کارگر]..... ۸۸

۳. گسترش نظر آدام اسمیت از نظریه ارزش اضافی به تمام حوزه‌های کار اجتماعی]..... ۹۶

۴. شکست اسمیت در درک مسیر ویژه‌ای که در آن قانون ارزش در مبادله بین سرمایه و مزد کار عمل می‌کند.]..... ۹۷

۵. توضیح اسمیت درباره‌ی ارزش اضافی به وسیله سود عنصر عامیانه در تئوری اسمیت]..... ۱۰۰

۶. اشتباهات نظری آدام اسمیت درباره‌ی سود، اجاره زمین و دستمزد به عنوان منابع ارزش]..... ۱۰۴

۷. نظریه دوگانه اسمیت درباره‌ی ارتباط میان ارزش و درآمد. سیکل معیوب نظریه اسمیت درباره‌ی «قیمت طبیعی»

به عنوان مجموع دستمزد، سود و اجاره]..... ۱۰۷

۸. اشتباه اسمیت در حل مجموعه ارزش تولید اجتماعی در درآمد. تضادها در نظریه او درباره‌ی درآمد خالص و

ناخالص]..... ۱۰۹

۹. «ژان باتیست سه» به عنوان بیان کننده عامیانه تئوری‌های اسمیت. توضیح «سه» درباره تولید ناخالص اجتماعی با درآمد

اجتماعی. تلاش برای مشخص کردن تمایز بین آن‌ها به وسیله استوریج و رامسی]..... ۱۱۵

۱۰. تحقیق درباره‌ی اینکه چگونه ممکن است سود و دستمزد سالانه بتوانند کالاهای سالانه را خریداری کنند که در کنار

سود و دستمزد، شامل سرمایه ثابت هم باشد.]..... ۱۲۰

(a) عدم امکان جایگزینی سرمایه ثابت تولیدکنندگان کالاهای مصرفی، از مبادله میان این تولیدکنندگان]..... ۱۲۰

(b) غیرممکن بودن جایگزینی تمام سرمایه ثابت جامعه به وسیله مبادله بین تولیدکنندگان بخش‌های مصرفی و تولیدکنندگان

وسایل تولید]..... ۱۳۹

(c) مبادله سرمایه در برابر سرمایه میان تولیدکنندگان ابزار تولید. تولید سالانه کار و تولید کار جدیداً اضافه شده سالانه]..... ۱۵۳

۱۱. نکات اضافی: بیانات مبهم اسمیت درباره‌ی مسأله اندازه‌گیری ارزش. کاراکتر عام تضادها در نوشته‌های اسمیت]

..... ۱۶۵

فصل چهارم] تئوری‌های کار مولد و کار غیرمولد..... ۱۶۷

۱. کار مولد از نقطه نظر تولید سرمایه‌داری: کاری که ارزش اضافی تولید می‌کند.]..... ۱۶۷

۲. نظریات فیزیوکرات‌ها و مرکانتلیست‌ها درباره‌ی کار مولد]..... ۱۶۸

۳. دوگانگی در برداشت اسمیت از کار مفید. اولین توضیح او: نظریه کار مفید به عنوان کار مبادله شده در برابر سرمایه]

..... ۱۷۱

۴. توضیح دوم آدام اسمیت: نظریه کار مولد به عنوان کاری که در یک کالا عینیت یافته است.]..... ۱۷۶

۵. عامیانه سازی اقتصادسیاسی بورژوازی در تعریف کار مولد]..... ۱۹۰

۶. حمایت از نظریه اسمیت درباره‌ی کار مولد. درباره‌ی تاریخ موضوع]..... ۱۹۳

(a) حمایت از نظر اول: ریکاردو، سیسموندی]..... ۱۹۳

(b) تلاش‌های اولیه برای تمایز بین کار مولد و غیر مولد (د. اوتانت، پتی)]..... ۱۹۴

(c) جان استوارت میل، یک هواخواه نظریه دوم اسمیت درباره‌ی کار مولد]..... ۲۰۰

۷. [ژرمن گارنیه] عامیانه کردن تئوری‌هایی که قبلاً به وسیله اسمیت و فیزیوکرات‌ها گفته شده]..... ۲۰۱

(a) مخلوط کردن کاری که در برابر سرمایه مبادله می‌شود با کاری که در برابر درآمد مبادله می‌شود. تصور غلطی که مجموعه

سرمایه از طریق درآمد مصرف کنندگان جایگزین می‌شود.]..... ۲۰۱

(b) جایگزینی سرمایه ثابت به وسیله مبادله سرمایه در برابر سرمایه]..... ۲۰۶

(c) نکته‌گیری‌های عامیانه گارنیه در برابر اسمیت. برگشت گارنیه به ایده‌های فیزیوکرات‌ها. نظریه کارگران غیرمولد، مصرف

به عنوان منبع تولید- یک گام به عقب در مقایسه با فیزیوکرات‌ها]..... ۲۱۸

۸. چارلز گانبل تصور مرکانتلیستی از مبادله و ارزش مبادله. همراه با تمام کار پرداخت شده با مفهوم کار مولد]..... ۲۲۳

۹. گانبل و ریکاردو درباره‌ی درآمد خالص. گانبل به عنوان پیشنهاد دهنده کاهش تولید جمعیت: ریکاردو به عنوان

پیشنهاد دهنده تجمع سرمایه و رشد نیروهای مولده]..... ۲۳۴

[۱۰. مبادله درآمد و سرمایه: [جایگزینی مجموعه میزان تولید سالانه: (الف) مبادله درآمد و درآمد (ب) مبادله درآمد در

برابر سرمایه (ج) مبادله سرمایه در برابر سرمایه]..... ۲۵۳

[۱۱. فریه] وضعیت محافظه کارانه بحث‌های فریه در برابر تئوری‌های اسمیت درباره‌ی کار مولد و انباشت سرمایه. نظریه

مبهم اسمیت درباره‌ی مسأله انباشت. عناصر عامیانه نظریه اسمیت درباره «کارگران مولد»]..... ۲۷۶

[۱۲. ارل لودردیل [دفاع از طبقات حاکم به عنوان نمایندگان مهم ترین انواع کار مولد]..... ۲۹۰

ضمیمه	۳۸۹
۱. هاپس درباره‌ی کار، درباره‌ی ارزش و درباره‌ی نقش اقتصادی علوم]	۳۹۱
۲. [اقتصاددان) تاریخی: ویلیام پتی [موضع منفی در برابر اشتغالات غیرمولد، اصول تئوری ارزش کار. تلاش برای توضیح دستمزد، اجاره زمین، قیمت زمین و بهره بر مبنای تئوری ارزش]	۳۹۳
۳. [پتی، سردادلین نوریس و لاک	۴۰۵
۴. [لاک [برخورد با اجاره و سود از نقطه‌نظر تئوری بورژوازی قانون طبیعی]	۴۰۶
۵. [نوریس [پول به‌عنوان سرمایه. رشد تجارت به علت پایین آمدن نرخ سود]	۴۱۰
۶. [برکلی، صنعت به‌عنوان منبع ثروت]	۴۱۵
۷. [هیوم و ماسی	۴۱۶
(a) ماسی و هیوم درباره‌ی سود]	۴۱۶
(b) هیوم. سقوط منفعت و سود وابسته به رشد تجارت و صنعت است.]	۴۱۶
(c) ماسی، سود به‌عنوان بخشی از منافع، سطح سود به‌وسیله نرخ بهره توضیح داده می‌شود.]	۴۱۹
(d) نتیجه]	۴۲۲
۸. ضمیمه بخش فیزیوکرات‌ها]	۴۲۳
(a) نوشته تکمیلی درباره‌ی تابلو اقتصادی تصورات اشتباه کاسنی]	۴۲۳
(b) بازگشتی از طرف برخی افراد فیزیوکرات به ایده‌های مرکانتلیستی. تقاضا از فیزیوکرات‌ها برای رهایی از رقابت]	۴۲۵
(c) شکل‌بندی اصلی این امر که چرا افزایش ارزش در مبادله غیرممکن است]	۴۲۶
۹. تجلیل از اشرافیت زمین‌دار به‌وسیله بوت، یک مقلد فیزیوکرات‌ها]	۴۲۷
۱۰. بحث در برابر اشرافیت زمین‌دار از نقطه‌نظر فیزیوکرات‌ها (یک نویسنده گمنام انگلیسی)]	۴۲۹
۱۱. جانب‌داری از مولد بودن تمام حرفه‌ها]	۴۳۴
۱۲. [مولد بودن سرمایه. کار مولد و کار غیرمولد]	۴۳۷
(a) مولد بودن سرمایه از آنجا که سرمایه داری نمایانگر نیروی مولده کار اجتماعی است]	۴۳۷

۱۳. تصور سه از «تولیدات غیرمادی». دفاع از رشد بی‌ضابطه کار غیرمولد]	۲۹۲
۱۴. [کنت دوسوت دو تریسی، [تصور عامیانه از ریشه سود. اعلام «سرمایه‌دار صنعتی» به‌عنوان تنها کارگر مولد]	۲۹۶
۱۵. طبیعت عام برخورد‌های نظری در برابر نظریه اسمیت درباره‌ی تفاوت میان کار مولد و غیرمولد. عذرخواهی از مصرف غیرمولد به‌عنوان یک ضرورتی که محرک تولید است]	۳۱۰
۱۶. [هنری استورج [بیان غیرتاریخی مسأله رابطه متقابل بین تولید مادی و معنوی. تصور «کار غیرمادی» که به‌وسیله طبقه حاکم شکل گرفته است]	۳۱۳
۱۷. [آقای ناسو [ظواهرات مربوط به تمام عملکردهای مفید بورژوازی به‌عنوان مولد. چاپلوسی به بورژوازی و دولت بورژوازی]	۳۱۷
۱۸. [پیگرینو روسی: [بدون توجه به شکل اجتماعی پدیده اقتصاد. تصور عامیانه از «کار ذخیره شده» به‌وسیله کارگران غیرمولد]	۳۲۲
۱۹. [دفاع از ولخرجی ثروتمندان توسط چالمرز مالتوسی]	۳۳۰
۲۰. [جمع‌بندی مشاهدات درباره‌ی آدام اسمیت و نظریه او درباره‌ی کار مولد و غیرمولد]	۳۳۱
[فصل پنجم] فکر [تلاش برای نشان دادن آشتی‌ناپذیری طبقات در سرمایه‌داری به عنوان آنتی‌تز بین فقر و ثروت]	۳۳۷
فصل ششم: تابلو اقتصادی کاسنی (انحراف)	۳۴۱
۱. تلاش کاسنی برای نشان دادن روند بازتولید و گردش مجموع سرمایه]	۳۴۱
۲. گردش بین مزرعه‌داران و صاحبان زمین. بازگشت جریان پول به مزرعه‌داران که تأکیدی بر بازتولید ندارند]	۳۴۲
۳. در چرخش پول بین سرمایه‌دار و کارگر]	۳۴۷
(a) بی‌معنی بودن بحث درباره‌ی دستمزد به‌عنوان پیش‌پرداخت سرمایه‌دار به کارگر. تصور بورژوازی از سود به‌عنوان پاداش برای ریسک]	۳۴۷
(b) کالاهایی که کارگران از سرمایه‌داران می‌خرند. بازگشت پولی که صرف بازتولید نمی‌شود]	۳۵۵
۴. چرخش بین مزرعه‌دار و صاحب مانوفاکتور بر طبق جدول اقتصادی]	۳۶۲
۵. گردش کالاها و گردش پول در تابلو اقتصاد. موارد مختلفی که پول به نقطه آغازش برمی‌گردد]	۳۶۸
۶. اهمیت تابلو اقتصادی در تاریخ اقتصاد سیاسی]	۳۷۹
[فصل هفتم] لینگوت [نقد اولیه نظریه بورژوازی لیبرال از آزادی نیروی کار]	۳۸۱

۴۴۱ [b) کار مولد در سیستم تولید سرمایه‌داری]

۴۴۵ [c) دو عبارت اساساً مختلف در مبادله بین کار و سرمایه]

۴۴۷ [d) ارزش مصرف مخصوص کار مولد برای سرمایه]

[e) کار غیرمولد به‌عنوان کاری که خدمات انجام می‌دهد، خرید خدمات تحت شرایط سرمایه‌داری. تصور عامیانه از رابطه بین

سرمایه و کار به‌عنوان یک مبادله خدمات]

۴۵۰ [f) کار استادکاران صنعتی و دهقانان در جامعه سرمایه‌داری]

۴۵۸ [g) تعریف تکمیلی کار مولد به‌عنوان کاری که در ثروت مادی تحقق یافته است]

۴۵۹ [h) نمودهای سرمایه‌داری در حوزه تولید غیرمادی]

۴۶۰ [i) مسأله کار مولد از نقطه‌نظر مجموعه روند مادی تولید]

۴۶۱ [j) صنایع حمل و نقل به‌عنوان شاخه‌ای از تولید مادی. کار مولد در صنایع حمل و نقل]

۴۶۳ **یادداشت‌ها**

[فصل اول]

سر جیمز استوارت

[تمايز بين سود از خوديگانه شده و افزايش مثبت ثروت]

قبل از فیزیوکرات‌ها ارزش اضافه‌ به مفهوم سود در شکل سودِ صرفاً از طریق مبادله توضیح داده می‌شد و معنی آن فروش کالا به قیمتی بالاتر از ارزش آن بود. سر جیمز استوارت به‌طور کلی فراتر از این محدودیت نظری نرفت؛ او باید به‌عنوان فردی که آن را در شکل علمی بازتولید کرده است در نظر گرفته شود. من می‌گویم: در شکل علمی. استوارت دارای این توهم نیست که ارزش اضافی متعلق به فرد سرمایه‌داری است که از فروش کالاها به بالاتر از قیمت خود به‌دست آورده است. او بین سود مثبت و سود نسبی تمایز قائل است و چنین می‌گوید:

«سود مثبت، چیزی از کسی کم نمی‌کند؛ این سود مثبت در نتیجه افزایش نیروی کار، صنعت یا از زیرکی به‌دست می‌آید و محصول تورم یا اضافه‌شدن عام کالا است... سود نسبی چیزی است که به کسی ضرر می‌رساند؛ این سود نسبی نوسانی از بالانس ثروت بین بخش‌های مختلف است اما هیچ چیزی را به سهم عمومی اضافه نمی‌کند... ترکیب به سادگی قابل درک است؛ این وضعیت ویژه سود است... که بعضاً نسبی و بعضاً مثبت است... هر دو بخش ممکن است به‌طور جداگانه در یک تبادل وجود داشته باشد» (اصول اقتصاد سیاسی جلد ۱ از کارهای سر جیمز استوارت و دیگران. این کتاب به‌وسیله ژنرال سر جیمز استوارت پسر، ویرایش شده و در ۶ جلد در لندن در سال ۱۸۵۰ چاپ شده، صفحات ۲۷۵ تا ۲۷۶).

سود مثبت «از اضافه‌شدن نیروی کار، صنعت و زیرکی به‌وجود می‌آید». چگونه این سود از این چیزها به‌وجود می‌آید؟ استوارت هیچ تلاشی برای پاسخ به آن نمی‌کند. بررسی بیشتری که تأثیر این سود

است» (همان صفحه ۲۴۵) «و ظهور ضرورت تقاضای زیاد، افزایش بهره‌وری محصولات است... صنایع [...] حیات خود را تنظیم می‌کنند و بر مبنای سود معینی گسترش می‌یابند.» (همان صفحه ۲۴۶) مشخص است که سود سرمایه‌دار منفرد «تولیدکننده» همواره سود نسبی است، همواره سود بیگانه‌شده است، همواره از میان افزایش قیمت کالاها بیش از ارزش واقعی‌شان به وجود می‌آید و همچنین از فروش بیش از ارزش‌شان. بدین ترتیب، اگر همه کالاها به ارزش خودشان فروخته شوند هیچ‌گونه سودی وجود نخواهد داشت.

استوارت یک بخش مخصوص را در این باره نوشته است؛ او به تفصیل چنین توضیح می‌دهد: «چگونه سودها در ارزش اولیه جای خود را پیدا می‌کنند» (همان جلد ۳ صفحه ۱۱).

استوارت از یک طرف پذیرش سیستم پولی و تجاری را رد می‌کند. بر طبق نظریه او فروش کالاها بیش از ارزش‌شان و به وجود آمدن سود از آن، باعث ایجاد ارزش اضافه می‌شود که در حقیقت افزایش مثبت ثروت است.^۱ از طرف دیگر او به این نظریه‌اش اکتفا می‌کند که سود سرمایه‌دار منفرد چیزی نیست اما این اضافه قیمت بیش از ارزش، ۱۲۲۲۱ سودی است ناشی از بیگانه‌شدن (ارزش اضافه ناشی از کار). بر مبنای نظر او، این سود تنها نسبی است. گرفتن از یک طرف منجر به کم شدن از طرف دیگر می‌شود و در نتیجه حرکت آن هیچ چیز بیش از «نوسان بالانس ثروت بین بخش‌های مختلف نیست».

در این قسمت استوارت بیان عاقلانه‌ای از سیستم تجاری و مالی می‌دهد.

خدمت او به تئوری سرمایه این است که نشان می‌دهد چگونه در شرایط تولید، روند جدایی بین مالکیت یک طبقه معین و نیروی کار به وجود می‌آید. (۱۳) او توجه زیادی به این پیدایش سرمایه دارد، بدون آن که به طور مستقیم پیدایش آن را بیان کند. هم چنین او این مسأله را به عنوان شرایط ایجاد صنایع بزرگ می‌بیند. او روند مخصوص کشاورزی را نیز مورد بررسی قرار می‌دهد؛ و هم چنین به درستی توجه می‌کند که محصولات صنعتی تنها از درون روند جدایی در کشاورزی به وجود می‌آیند. در نوشته‌های آدام اسمیت این روند جدایی به صورت امری که قبلاً کامل شده در نظر گرفته می‌شود.

(کتاب استوارت در سال ۱۷۶۷ در لندن چاپ شده، نوشته تورگت [بازتاب‌های شکل‌گیری و توزیع ثروت] در ۱۷۶۶ و تحقیق درباره‌ی طبیعت و ارزش ثروت ملل توسط آدام اسمیت در ۱۷۷۵ نوشته شده است).

۱. حتی طرفداران نظریه پول در مورد این سود چنین تصور می‌کردند که این سود درون یک کشور به وجود نمی‌آید بلکه تنها در مبادله با کشورهای دیگر است که در این مورد به همان تفکر مرکانتیلیستی باقی می‌ماندند. [که در نظر می‌گرفت که] این ارزش شکل پول را دارد. (طلا و جواهر) و ارزش اضافه به این ترتیب در شکل بالانس تجارت ظاهر می‌شود که خود را در شکل پولی نشان می‌دهد.

مربوط به زیرکی و تورم و «شرایط عام کالاها» است، نشان می‌دهد که استوارت با بیان این مطلب، چیزی به جز توده عظیمی از ارزش مصرفی را مدنظر ندارد که در نتیجه گسترش قدرت تولید نیروی کار به وجود می‌آید. او فکر می‌کند که این سود مثبت از سود سرمایه‌داری متفاوت است به طوری که همواره مستلزم یک افزایش در ارزش مبادله است. این تفسیر به طور کامل با توضیحات بعدی او تأیید می‌شود. او می‌گوید:

«در مورد قیمت کالاها من دو چیز را به عنوان واقعیت موجود و کاملاً مختلف از یکدیگر در

نظر دارم... ارزش واقعی کالا و سود جدا شده از آن». (صفحه ۲۴۴)

بدین ترتیب قیمت کالاها شامل دو چیز اساسی است که به طور کامل از یکدیگر متفاوت اند: اولی ارزش واقعی آن‌هاست و دومی سود بیگانه‌شده، سود به دست آمده در جریان انتقال آن به شخص دیگر، یعنی فروش.

۱۲۲۱۱ این سود حاصل از بیگانگی همچنین از قیمت کالاهایی به دست می‌آید که بیشتر از ارزش واقعی‌شان می‌ارزند. به دست آوردن از یک طرف همواره با از دست دادن آن از طرف دیگر همراه است، در نتیجه، هیچ افزایشی در ثروت عمومی به وجود نمی‌آید. بنابراین، سود که همان ارزش اضافی است، نسبی است و خودش را از درون «یک حرکت نوسانی از بالانس ثروت بین بخش‌های مختلف» به وجود می‌آورد. استوارت خودش ایده‌ای را که ارزش اضافه را بدین ترتیب توضیح می‌دهد، رد می‌کند. هر چند تئوری او «نوسان بالانس ثروت بین بخش‌های مختلف»، طبیعت و خود ارزش اضافی را کم‌اهمیت می‌داند، با این حال، به تقسیم ارزش اضافی در میان طبقات مختلف و در مورد مقوله‌های مختلف نظیر سود، منفعت و اجاره اهمیت می‌دهد.

استوارت تمام سود افراد سرمایه‌دار را به «سود نسبی» و «سود بیگانه‌شده» محدود می‌کند و آن را

چنین توضیح می‌دهد:

«ارزش واقعی به وسیله "کمیت" کاری که روی میانگین یک کارگر از کشور به طور عام صورت می‌گیرد، در یک روز، یک هفته یا یک ماه محاسبه می‌شود. ثانیاً، ارزش زندگی فرد کارگر و ضرورت هزینه چه برای جایگزین کردن خواسته‌های شخصی او و [...] چه ابزار متعلق به حرفه او که باید به طور میانگین در نظر گرفته شود...» سوماً: «... ارزش مواد...» (همان صفحات ۲۴۴ تا ۲۴۵). «این سه موردی که شناخته شده است قیمت محصول را مشخص می‌کند. این قیمت نباید کمتر از میزان این سه مورد باشد بدین ترتیب، این ارزش واقعی است. آن چه که برتر از آن است، سود کارخانه است. بدین ترتیب، [...] این مسأله متناسب با تقاضا خواهد بود و نوسان قیمت بر مبنای وضعیت محیط اطراف